

اسم اللہ



انسان در مسیر خسران

(تفسیر سوره مبارکه عصر)

حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله)

دفتري آثار
حضرت آيت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله)

کابل، جاده شهيد مزارى (ه)، شهرک صفا، حوزه علميه دارالمعارف اهليبيت (ع)

+۹۳(۰)۷۸۱۱۸۰۵۳۶

تفسير سوره مبارکه عصر

عنوان:	انسان در مسير خسران
نویسنده:	حضرت آيت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله)
ناشر:	دفتر نشر آثار ...
برگ آرا:	علی عرفان
ویراستاران:	مصطفی واعظ زاده، امير محمد عرفانيان
نوبت چاپ:	اول، خزان ۱۳۹۷ هـ ش
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
محل چاپ:	نشر واژه
قیمت:	۵۰ افغانی یا معادل آن

تمام حقوق (انتشار، چاپ و ...) این اثر مربوط به دفتر نشر آثار می باشد!

مرکز پخش:

کتابخانه حوزه علميه دارالمعارف اهليبيت (ع)

+۹۳(۰)۷۷۳۳۷۴۴۳۴

فهرست

۹.....	سخن ناشر.....
۱۰.....	سخن مؤلف.....
۱۵.....	شناسنامه سوره.....
۱۶.....	آیات و ترجمه.....
۱۶.....	دورنمای سوره.....
۱۷.....	فضیلت سوره.....
۱۸.....	تفسیر سوره.....
۱۸.....	معانی عصر.....
۲۴.....	معنی خسران.....
۲۶.....	معنی ایمان.....
۲۸.....	عمل صالح.....

- ۲۹.....توصیه به حق
- ۳۰.....توصیه به صبر
- ۳۱.....نگاهی به انسان
- ۳۳.....پیامهای سوره
- ۳۵.....آثار چاپ شده
- ۳۸.....آثار در دست چاپ:

بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه آثار تفسیری حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله) تحت
عناوین زیر توسط دفتر نشر آثار چاپ و در دسترس ملت مومن ما قرار گرفته
است:

۱- شب سرنوشت "تفسیر سوره مبارکه قدر".

۲- انسان در مسیر خسران "تفسیر سوره مبارکه عصر".

۳- عطای الهی "تفسیر سوره مبارکه کوثر".

۴- خداوند یکتا "تفسیر سوره مبارکه اخلاص".

تفاسیر نام برده از معدود تفاسیر جامع و مانع بوده که معظم له در تفسیر
کلمات، جملات، زمان نزول آیه، شرایط جامعه، محل نزول و غیره نگاهی دقیق
داشته تفسیری مبسوط برای خوانندگان و مردم ما ارائه داده است.

البته در ایام محرم نیز بحثهای ایشان تفسیری بوده ذیل آیات: مباحله، انفاق،
نور، ولایت، مودت، سابقون و سوره مبارکه هل اتی توضیحات مفصل داده است
که چهار عنوان آنها بچاپ رسیده و بقیه نیز آماده چاپ هستند.

نکته برجسته و قابل تامل در کتب تفسیری معظم له، استفاده از آیات الهی بعد از تفسیر و رمزگشایی برای حل مسایل و معماهای جامعه و زندگی روزمره می باشد که هر خواننده ای با داشتن هر درجه ای تحصیلی موفق به فهم کتاب بوده به راحتی از کتب تفسیری ایشان می توانند استفاده کنند.

دفتر نشر آثار مفتخر به چاپ دومین، سومین و چهارمین کتاب تفسیری حضرت آیت الله واعظ زاده بهسودی (مدظله) است که بحمدالله این اثر گرانسنگ بعد از تایپ، حروف چینی، ویراستاری، طرح جلد، راهی چاپخانه شد و در دسترس مردم عزیز قرار گرفت.

دفتر نشر آثار ...

سخن مؤلف

«یا من یقبل الیسیر»

در ماه حوت ۱۳۹۶ خورشیدی بخاطر بیست و سومین سالگرد "شهید وحدت ملّی" از سوی "انجمن فرهنگی و هماهنگی هزاره‌های مقیم ترکیه" و "انجمن فرهنگی و هماهنگی محصلان مقیم ترکیه" دعوت شده بودم.

مکان اجلاس دانشگاه از میر سومین شهر ترکیه بنام "کاتب چلبی" بود که با شرکت اساتید و برخی مقامات ترک و اساتید دو دانشگاه از افغانستان در سوم ماه مارس ۲۰۱۸ میلادی مطابق ۱۳۹۶/۱۲/۱۱ هـ ش برگزار گردید.

بعد از ختم نشست با اصرار محصلین و مؤمنین افغانستانی مقیم ترکیه قریب دو هفته در شهرهای: از میر، استانبول و انقره ماندم، بنده طبق عادت همیشگی‌ام از نیم ساعت قبل از اذان صبح بر می‌خواستم و بعد از اداء نافله و فریضه نمی‌خوایدم و تا ساعت ده صبح که وقت صرف چای صبح بود وقت بسیار مناسبی پیش آمد که کسی مزاحم نبود.

عليهذا از دوستم محمد صداقت برادر انجینر محمد رضا صداقت کتابچه و قلمی خواسته تا اینکه تفسیر هذا تحت نام "عطای الهی" برشته تحریر درآمد و مدارک آن در کابل کامل شد، اکنون ثواب این ناچیز را به ارواح طیبه انبیاء، شهدا بویژه روح پدر و مادرم و خاصاً بروح صدیقه طاهره سلام الله علیها هدیه می - نمایم و از خدایم می خواهم تا این قلیل را ذخیره یوم المعادم قرار دهد و برای تفسیر تمام قرآن توفیقم عنایت نماید، و اِنَّه خیرُ ناصرٍ و معین.

حاج واعظزاده بهسودی ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ هـ.ش.

انسان در مسیر خسران □

(تفسیر سوره مبارکه عصر)



شناسنامه سوره

نام سوره: سوره مبارکه عصر

موقعیت سوره: جزء سی‌ام

شمار آیات: چهار آیه بشمول بسم الله

ماقبل سوره: سوره مبارکه تکوین

مابعد سوره: سوره مبارکه همزه

ترتیب نزول: مکه مکرمه

شماره سوره: نود و سوم



آیات و ترجمه

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

﴿وَالْعَصْرِ﴾

سوگند به عصر

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾

انسانها تحقیقاً در زیان اند

﴿أَلَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾

مگر باورمندان که کار خوب و صالح دارند و همدیگر را توصیه به حق و توصیه به صبر می‌کنند.

دورنمای سوره

این سوره مبارکه از زیان انسان در قدم نخست سخن رانده و سپس چند دسته از انسانها را استثناء می‌کند که عبارت اند از: "انسانهای مؤمن" و "مؤمن نیکوکار" و "توصیه کنندگان بحق" و "توصیه کنندگان به صبر" و در شروع سوره واو قسم بکار رفته و عصر "مقسّم به" قرار داده شده که دارای معانی متعدّد



خواهد بود و این چهار فقره بعد از اَلَّا چهار موضوع مهم اسلامی را احتوا کرده است که عبارت باشند از:

موضوع اعتقادی (ایمان)؛

موضوع عملی (عمل صالح)؛

موضوع فردی (حق و صبر)؛

موضوع اجتماعی (تواصی)؛

در این سوره مبارکه در عین کوتاهی و اختصار برنامه بسیار جامع اسلامی انسانی را بیان کرده که: برنامه سعادت و ضد آن که خسران باشد مطرح شده که فکر می‌کنم از زندگی تدریجی انسان ناشی خواهد شد.

فضیلت سوره

در فضیلت سوره مبارکه عصر حدیثی از امام صادق^(ع) وارد شده است که می‌فرماید:

﴿مَنْ قَرَأَ وَالْعَصْرَ فِي نَوَافِلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُشْرِقًا وَجْهَهُ ضَاحِكًا سِنَّهُ قَرِيرَةٌ عَيْنُهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ﴾^۱



هر کس سوره والعصر را در نمازهای نافله (مستحبّی) بخواند خداوند او را در قیامت برمی‌انگیزد در حالیکه صورتش نورانی، چهره‌اش خندان و چشمش به نعمات الهی روشن است تا داخل بهشت شود.

البته این فضیلت در این سوره و در همه سوره‌ها منوط به عملی ساختن محتوای سوره و پیاده کردن اصول چهارگانه است که در سوره مطرح شد، نه اینکه فقط بخواند و از آن عبور کند.

تفسیر سوره

مطالب و محتوای این سوره مبارکه با سوگند به عصر آغاز شده که اهمیّت محتوا را نشان می‌دهد در حالیکه خداوند نیاز نداشت که سخنانش را با سوگند آغاز نماید، زیرا؛ انکاری در بین نبود و نیز احتیاج نداشت که با سوگند باور مخاطب را برانگیزد و العیاذبالله درستی محتوا را نشان دهد، چرا سوگند؟

بنظر می‌رسد که خداوند با سوگندش می‌خواهد بفهماند که آنچه را در مابعد قسم بیان می‌کند حقیقت انکار ناپذیر بوده طوریکه نباید محتوای آن را به شوخی گرفت که عبارت از: "مستثنی منه" و "استثناء شده" اند.

معانی عصر

سوگند به عصر نشان می‌دهد که عصر چیزی با عظمتی است که لیاقت یافته سوگند به آن صورت بگیرد، عصر؛

ممکن است به معنای "مطلق زمان" یا دهر و روزگار باشد^۱ که ظرف همه چیز است و بدون آن نمی‌شود مظروف تحقق پیدا نماید و نمی‌تواند مسیر تکاملی خود را بیابند، زیرا؛ موجودات بی‌نیاز از زمان آفریده نشده و زمان ظرف وجود و مجموع تلاشها و تکاملهاست و ذاتی که بی‌نیاز از زمان بلکه خالق زمان است، خداوند متعال است لکن ماسوای او تماماً نیازمند این قالب حتمی و قطعی است، بناءً ظرف همه موجودات بایستی مهم باشد و به آن سوگند یاد شود.

و ممکن است بمعنی مطلق زمان نباشد ولی به معنی "پاره‌ای از زمان" باشد که لحظه "عصر" روز باشد،^۲ این معنی نیز حائز اهمیت است که به آن می‌پردازم:

در عصر روز نفع و ضررها مشخص می‌شود لذا لحظه آشکار شدن سود و زیان برای تمام انسانها نقطه کلیدی است، تاجری که اشتغال بکار تجارت دارد تا سود و زیانش معلوم نشده نگران است ولی بکارش ادامه می‌دهد لکن لحظه‌ای که معلوم شد سوداگریش سود ندارد از همان لحظه تصمیم به لغو آن نحوه معامله و یا تبدیل آن به بهتر را اتخاذ می‌کند و یا در صورت ظهور سود تشویق شده با شدت تمام به آن دلگرمی عملی نشان می‌دهد و عصر روز لحظه‌ای است که زیان‌کاران بزیانش و احسان‌کنندگان به احسانش واقف می‌شوند و لحظه‌ی بسیار حساس و

۱ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.

۲ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.



سرنوشت‌ساز است و لحظه‌ی "سرنوشت"، معلوم است که لیاقت سوگند خوردن به آن را می‌یابد.

و ممکن است بمعنی "نماز عصر" باشد^۱ که نماز عصر در بین نمازها به احتمال غیر اقرب صلاةً وسطی باشد، اگر چه به احتمال اقرب نماز ظهر صلاةً وسطی است که در کتاب حفظ آن سفارش شده، ﴿حافظوا علی الصلوة و الصلاة الوسطی﴾.^۲

و نیز ممکن است بمعنی فشرده یا "عصاره" هر چیزی باشد که در حقیقت خلاصه آن چیز است، چنانکه بسیار مشاهده می‌فرمائید که فشرده میوه بمراتب مرغوبتر و مفیدتر است از خود میوه و همچنان فشرده یا گزیده یک مقاله بمراتب از خود مقاله سهل‌الاحذتر خواهد بود برای کسانی که وقت کمتر دارند و مفید است و نوعاً مؤلفی که کتابهای قطور و مجلدات کثیر دارند به گزیده‌گیری آن اقدام می‌کنند، نظیر: "گزیده تفسیر نمونه"، "گزیده بحار"، "گزیده لغت‌نامه دهخدا" و...

حضرت امیر^(ع) فرمود:

۱ - مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.

۲ - البقره/۲۳۸

«أَنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا»^۱.

- بهایی برای نفس شما نیست، الا اینکه در برابر بهشت بفروشند.

در همین راستا امام سجاد(ع) فرمود:

«خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمَعْتَرِضُونَ إِلَّا لَكَ»^۲.

- آنها که بر غیر تو وارد شده ضرر کرده و آنهایی که به سراغ غیر تو آمده زیان کرده‌اند».

یکی از نامه‌های قیامت، یوم "التغابن"^۳ است، یعنی روزی که غبن و زیان آشکار می‌شود، لکن جالب این است که خدای مَنان آنچه داده است خریداری می‌کند گاهی باقیمت بهشت، گاهی ده برابر و گاهی هفتصد برابر و باز هم وعده‌ی دوچندان می‌دهد و کم را نیز می‌پذیرد، آیات زیر مطالب فوق را بوضوح بیان می‌کند؛

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْوَالَهُمْ وَ انْفُسَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾^۴.

۱ - نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۵۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۲، ح ۱، ص ۳۸۹.

۳ - تغابن/۹.

۴ - توبه/۱۱۱.



- خداوند از مؤمنین مالها و جانهایشان را در برابر بهشت خریداری می‌نماید.

۲- ﴿مِثْلَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ آذَانٍ سَابِلٍ

فِي كُلِّ سَنبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ﴾^۱

- مثل کسانی که مالی در راه خدا انفاق می‌کند مانند دانه‌ی است که در زمین می‌کارد و از آن هفت خوشه می‌روید که در هر خوشه صد دانه است و خداوند برای کسی که بخواهد چند برابر می‌کند.

۳- ﴿يَا مَن يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ﴾^۲

- ای کسی که کم را می‌پذیری و از بسیار می‌گذری. طبیعت نیز از مجموع کثیری مواد خام، فشرده‌ی قابل قبول و مرغوب تحویل می‌دهد، مانند: شیر حیوان، عسل زنبور، گوشت حلال گوشتها و غیره.

کارخانجات نیز به تأسی از طبیعت و اخذ الگو به تصفیه مواد خام می‌پردازد که از شیر مثلاً: پنیر، قیماق، روغن، و ...، از علف و نباتات، روغن نباتی، از خاک، آهن، طلا، سرب، مس و ... بیرون می‌دهند و عصاره‌گیری کار کارخانجات امروز و فرداست، کاری که مورد رجوع تمام عقلاء عالم است، حتی از عصاره باز هم

۱ - بقره/۲۶۱.

۲ - بحارالانوار، ج ۹۲، ح ۲، ص ۱۰۰.

عصاره می‌گیرند، یعنی: فشرده را فشرده‌تر می‌کنند، مانند: طلای ۲۰ عیار از ۱۸ عیار و طلای ۲۴ عیار از ۲۲ عیار و غیره.

در نرم افزارها نیز فشرده‌سازی کار مروج و معمول روز است و شاید دور نباشد روزی که فشرده‌تر را نیز فشرده نماید و این همان معنی عصر و عصاره است.

و ممکن است مراد از عصر، عصر "ظهور اسلام" و روزگار پیامبر باشد.^۱

و ممکن است مراد از عصر، "شب و روز" باشد که اصطلاحاً به آنها "عصران" گفته می‌شود.^۲

و ممکن است بمعنی "عصر ظهور حجت" سلام الله علیه باشد^۳ که عصر بروز استعدادها، ظهور برکات و عصر احقاق حق و ابطال باطل باشد.

لکن بنظر نویسنده مراد از عصر "تمام این مصادیق" است و نمی‌شود کلمات قرآن را که مفهوم عام دارد به یکی دو مصداق خلاصه کرد اگر چه اتم و تمام، انقص و ناقص تصویر می‌شود، مثل اینکه زمان مطلق و سپس عصر روز همچنان عصاره موجودات نسبت به دیگر معانی ارجحیت دارد.

۱. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۹.

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶.

۳. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.



معنی خسران

"خُسْر"، "خساره" و "خسران" طبق گفته راغب هم در مورد "انسان" استعمال می‌شود و هم در مورد "عمل انسان" که می‌گوییم: «فلان آدم خسران کرد» یا «فلان تجارت خسران دید».^۱

در سوره عصر به دلیلی که بدون الف و لام آمده به معنای: "خسران عظیم" است یا ممکن است بمعنای "تنوع" باشد، یعنی: نوع خاص از خسران و زیان متوجه انسان است که عبارت از خسران در "ذات آدم" باشد، مثلاً: قلب انسان بدون علت و مرض و سایر عوارضات بیرونی ظرفیت محدود دارد که با گذشت ثانیه‌ها و دقیقه‌ها ظرفیتش تمام می‌شود و همین گونه است سایر اعضا و جوارح انسان و این معنی "خسران ذاتی" است.

فخر رازی صاحب تفسیر کبیر از علمای بزرگ اهل سنت سخنی در تفسیر این سوره می‌گوید که حاصلش این است: یکی از بزرگان گوید: «معنی سوره را از مرد یخ فروش آموختم که می‌گفت: ارحموا من یدوب رأس مال، ارحموا من یدوب رأس ماله، یعنی: به کسی رحم کنید که سرمایه‌اش آب می‌شود».

امام علی (ع) فرمود: «نفس المرء خطاه الی اجله»^۲

۱. مفردات راغب، ماده "خسر".

۲ - نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۷۴.

- هر نفس آدم گامهایی بسوی مرگ اوست.

"جماعتی" این سرمایه عظیم را در برابر مالی یا خانه‌ی یا مرکبی از دست می‌دهد و "گروهی" دیگر این سرمایه بی‌بدیل را برای مقامی دنیایی از دست می‌دهد و گروه سوم تمام سرمایه را برای لذت و عیش زودگذر از دست می‌دهد، لکن "گروه اندک" است که این سرمایه عظیم را برای جلب رضای حق و مقام قرب او از دست می‌دهد که در حقیقت خسران نکرده به تجارت مریح‌ه‌ی دست یافته است والا خسران در ذات بشر است و بی‌جهت نیست که می‌فرماید:

﴿الذین خسروا انفسهم و اهلهم يوم القيامة الا ذالك هو الخسران المبين﴾^۱

ممکن است خسران بمعنی: "عدم النفع" باشد که همان سود نکردن یا فایده نداشتن است و ممکن است بمعنی: "از دست دادن سرمایه" باشد و فرق هر دو معنی نیز روشن است که اولی جایی است که تاجر در تجارتش زمان را سپری کرده، تلاش انجام داده ولی در پایان سودی بدست نیاورده است اما اصل سرمایه‌اش محفوظ است، فقط تلاش و دویدن‌هایش به هدر رفته است، لکن در معنی دوم اصل سرمایه را از کف داده به علاوه اینکه فایده بدست نیاورده است.

خسران در سوره مبارکه عصر به احتمال اغلب بمعنی از دست دادن سرمایه باشد، زیرا؛ انسان اگر عمرش را سرمایه طاعت قرار ندهد نه تنها نفعی نبرده که اصل عمر را از دست داده که اصلیت‌ترین سرمایه انسان است و سوال در قیامت



ممکن است از هر چیزی صورت گیرد لکن سوال از اینکه عمرت را کجا مصرف کردی در رأس سوالها است.

خوب است حدیثی از امام هادی^(ع) نقل کرده حسن ختام این بخش از بحث قرار دهم که حضرتش فرمود:

«الدُّنْيَا سَوْقٌ رَبِحَ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ»

یعنی: دنیا بازار سوداگری است که قومی سود می‌برد و قومی دیگر زیان می‌بینند.^۱

معنی ایمان

ایمان را اقرار به توحید، رسالت رسولان و تصدیق به آنها و عمل به ارکان گرفته‌اند که در یک جمله خلاصه می‌شود به: «الایمان هو الاقرار و العمل بالارکان» یعنی: ایمان همان اقرار است و عمل به جوارح.

اما اگر بخواهیم فهم کنیم معنای آن را طوریکه نزد ما برهانی شود، ایمان "باور" داشتن است به مجموع ما انزل الله و باور داشتن غیر از علم داشتن است، کسی که باورمند است بخودش، بخدایش و رسولان او و تمام لوازمات اقرار با کسی که علم دارد لکن باور برایش خلق نشده بسیار متفاوت است، کسی که

۱ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۶؛ تحف العقول، کلمات قصار امام هادی^(ع)، ص ۲۶۱.

خودش را باو ردارد با کسی که بخودش بی‌باور است از هم جدایند، رئیس جمهوری که به سرمایه‌های کشورش که مردم، طبیعت و ظرفیت‌های کشورش می‌باشد باور دارد هیچگاه تن به قراردادهای و تعاملات ذلت بار نمی‌دهد و همچنان شخصی که به داشته‌ها و استعدادها و ظرفیتهای خود باور دارد هیچگاه افسرده نخواهد شد.

ببینید! شاید نجاری را دیده باشید که بکار و شغلش باور ندارد او از نجاری لذت نبرده نتیجه نخواهد گرفت، همین‌گونه است بزّاز، خبّاز و غیره، طلبه‌ی که به شغل طلبگی باور ندارد هیچگاه به درجات بالای فقاقت نخواهد رسید و مدارج بالای علمی را نخواهد کمایی کرد و همچنان محصلی که به کار تحصیلش باور ندارد، فقط در کلاس است و شاید امتحانی سپری کند لکن هیچگاه به مدارج بالای تخصص دست نخواهد یافت، او چون تندیسی در کلاس خواهد نشست لکن روحش بدلیل عدم باور به کارش جای دیگر خواهد بود.

انسان بی‌باور زندگی نمی‌تواند، زیرا؛ باور به زندگی عشق و امید می‌دهد و تلاش و زاینده‌گی خلق می‌کند و محیط کار را گرم می‌سازد، چه اینکه ایمان عشق است و علم اندوختن، ایمان تلاش است و علم انباشتن، ایمان سرمایه است و علم و بال، ایمان زایش است و علم بودش، ایمان آینده‌نگری است و علم زمان حال، ایمان گرمی است و علم سردی و غیره.



عمل صالح

نفس عمل ارزش ندارد لکن ارزش آن در گرو "خوب بودن" و "صالحیت" آن است، به این معنی: تلاش فقط خستگی و ضیاع وقت است لکن "خوب عمل" کردن ارزش می‌آفریند، چقدر وبالهاست که از "بد عمل کردنها" و چقدر نتایج تلخ است که از کار ناشایسته ناشی می‌شود، بناءً نفس جنبش و نفس حرکت مادامیکه جهت خوبیت و صالحیت پیدا نکند، پسندیده نیست، انسان که عامل است لکن بی‌جهت و بی‌هدف و بی‌باور، مانند حیوانی است که آسیاب بچرخاند که هر قدر راه برود باز هم در همان نقطه اول است، چه بسا تلاشها است که در تمام عمر انجام داده می‌شود لکن چون صالح نیست بی‌نتیجه می‌ماند.

در قرآن عظیم‌الشان ایمان و عمل صالح در کنار هم ذکر شده گویا لازم و ملزوم‌اند، یک نمونه را بنگرید؛

﴿من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیاةً طیبةً﴾^۱.

یعنی: هر فردی از مرد یا زن مومن کار شایسته‌ی انجام دهد ما او را به حیات پاکیزه‌ای زنده می‌کنیم.

قرآن کریم از بدکاران خبر می‌دهد که روز قیامت از اینکه عمل صالح انجام نداده‌اند متأسف می‌شوند و آرزوی محال می‌کنند که ای کاش دنیا برمی‌گشتند و کار نیک انجام می‌دادند، به این آیات بنگرید؛

۱. ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا

فِيمَا تَرَكْتُ﴾^۱

- دشمنان حق دست از دشمنی بر نمی‌دارند تا زمانی که مرگ آنان را در رسد می‌گویند: پروردگارا! مرا برگردان تا تقصیرهایم را جبران نمایم.

بسیار فرق است بین درس خواندن و خوب درس خواندن، بین کار کردن و خوب کار کردن، بین حکومت کردن و خوب حکومت کردن، بین تجارت و خوب تجارت کردن، بین رانندگی و خوب رانندگی کردن و غیره، علیهذا ارزش ایمان در گرو عمل صالح است والا باور هر قدر عالی و متعالی باشد بدون پشتوانه عمل صالح عقیم است.

توصیه به حق

تواصی از باب تفاعل است، باب تفاعل حداقل بین دو نفر و حداکثر بیشتر از دو نفر است تا هر کجا که گنجایش داشته باشد، مانند: تضارب، تقابل و غیره.



لذا از توأسی فهمیده می‌شود که انسانها همدیگر را توصیه به حق نماید، زیرا؛ سرنوشت انسانها در دنیا مشترک است و انسانها با هم همسرنوشتند، به همین خاطر امر به معروف و نهی از منکر معنی پیدا می‌کند و مسئولیت در قبال جامعه و دیگران مفهوم می‌گردد، زیرا؛ سوارشدگان در یک کشتی با تخریب و سوراخ کردن یک نفر کشتی را تمام سرنشینان غرق خواهد شد و نمی‌شود گفت در قبال رفتار تخریبی یک نفر بی تفاوت بود، لهذا به من چه گفتن بی معنی است!

از لفظ توأسی فهمیده می‌شود که به حکم داشتن سرنوشت واحده توصیه همدیگر لازم است، اما کلمه‌ی "حق" خود حکایت از حقیقت دیگر دارد که عبارت است از: صواب، اساس امور، بنیان کارها، جواهر، اصلتها و از این قبیل چیزها و نپرداختن به متفرعات و شاخه‌ها با فراموشی اصلها و ریشه‌ها و در این راه که بخواهی جوهر یابی تمام انسانها بایستی اصالت طلب شوند و بنیاد امور را پی‌ریزد و بدون توصیه ممکن نیست، زیرا؛ غفلت از حربه‌های شیطان است و سعی شیاطین بر نسیان، غفلت و فرعیات است، لهذا بدون توصیه نمی‌شود از دام شیطانها رها شد.

توصیه به صبر

در کنار توصیه به حق توصیه به صبر نیز در سوره سفارش شده است، چه اینکه حفظ اصلتها و گوهرها بدون پایمردی و ثبات قدمی نمی‌شود، زیرا؛ در این مسیر دزدهای در کمین نشسته تا گوهرها را برابیند و تو را از اصالت غافل نماید، بناءً بایستی توصیه به صبر صورت گیرد تا حق حفظ شود و چه بسا حفظ چیزی

از خلق آن پر زحمتتر است، سستی و تنبلی طبیعت آدمهاست که بدون توصیه به صبر تن به زحمت نمی‌دهند.

علیهذا ایمان با پشتوانه عمل صالح بدون توصیه به حق و توصیه به صبر انسان را از خسران نجات نمی‌دهد و این چهار امر که عقب‌الای استثناء قرار گرفته حکم عام خسران را تخصیص می‌زند و جز این چهارراه مشکل است انسان از خسارت خارج شود و هر چهار کار بس مشکل و دشوار است.

در تواصی بحق و تواصی به صبر متوجه یک نکته علمی باید بود که: توصیه بحق و توصیه به صبر از افراد عمل صالح است، معهذا ذکر آن از قبیل ذکر "خاص" بعد از "عام" خواهد بود که نشان می‌دهد گوینده به این دو مسئله فوق‌العاده عنایت و اهتمام دارد و آلا تخصیص نمی‌زد و تجرید نمی‌کرد و حاصل و محصول سخن این می‌شود که حق و صبر از بین تمام اعمال صالحه اهمیّت بیشتر داشته توصیه به هر دو مورد دستور خداوند است و نیز تکرار "تواصوا" این عنایت را می‌رساند چه اینکه می‌توانست بدون تکرار اینگونه بگوید: «تواصوا بالحق و بالصبر» لکن تواصوا را تکرار کرد.

نگاهی به انسان

انسان طبیعت رسوبی دارد چون ماهیّت طینی دارد که اگر روح الهی در او ندمیده بود لیاقت صعود نمی‌یافت و انسان مایه حیوانی دارد چون اسیر طبیعت است که اگر نفخه‌ی رحمانی نداشت نمی‌توانست لیاقت خلافت یابد، علیهذا اگر



عقل درونی و رسول ظاهری در پوشش کتب آسمانی دست او را نگیرد محکوم به سقوط است و این معنی سیر طبیعی خسران بشر است.

این سرشت را باید هدایت کرد و طبیعت الهی به او داد و قوای او را به فعلیت رساند و بذره‌های او را شکوفا ساخت و استعداد خفته‌ی او را آشکار نمود، بنابراین ایمان او بخدا و عمل صالح و توصیه بحق و توصیه به صبر که عبارت است از تلاش انسان در پناه هدایات الهی، او را نجات خواهد داد و الا اگر سعی و تلاش و برنامه‌ریزیها به امداد درونی و بیرونی نباشد محکوم به شکست است و تمام نکوهش‌های قرآنی ناظر به همین جنبه انسان است، مثل:

﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ﴾^۱.

- انسان کشته باد.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾^۲.

- انسان هلوع آفریده شده است.

﴿... خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾^۳.

۱ - العبس/ ۱۷.

۲ - المعارج/ ۱۹.

۳ - النساء/ ۲۸.

- انسانها ضعیف آفریده شده است.

﴿... إِنَّه كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۱.

- او بسیار ستم کار و جهول است.

تمام این سرزنشها و نکوهشها ناظر به همین بُعد بنی انسان است که در مسیر زیان و خسران گام برمی دارد.

جلال الدین سیوطی در "الذّر المنثور" حدیثی را نقل می کند که راهگشاه است و آن اینک: «اصحاب رسول خدا(ص) هرگاه به یکدیگر می رسیدند قبل از آنکه از هم جدا شوند سوره والعصر را می خواندند»^۲.

پیامهای سوره

۱. اگر جهات الهی نباشد و کوشش بشری در همین راستا صورت نگیرد مسیر انسان مسیر خسران و زیان است.
۲. ایمان او بخدا، رسولان او و تصدیق عملی این باورها او را نجات داده مسیر او را تغییر می دهد.
۳. عمل صالح نجات دهنده است نه صرف عمل، چه رسد از بد عمل کردن انسان.

۱ - الأحزاب/۷۲.

۲ - الذّر المنثور، ج ۶، ص ۳۹۲.



۴. توصیه بحق سرشت اجتماعی او را به نمایش گذاشته مسئولیت او را ایجاد و ایجاب می کند.
۵. توصیه به صبر همچنان تغییر مسیر و باروری باورهای او را ضمانت می کند.
۶. زمان مطلق یا سایر مصادیق اهمیتی دارند که موضوع قسم قرار گرفته اند.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ لِأَنَّكَ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ.

آثار چاپ شده

- ۱- تفکر و تعقل پاسخگوی پندار خرافات.
- ۲- المختصر-تلخیص اصول المظفر(ره).
- ۳- افغانستان در آزمون زمان.
- ۴- در کلاس عقاید.
- ۵- نیمرخی از حادثه عاشورا.
- ۶- دروس فی علم الرجال.
- ۷- دروس فی علم الدرايه.
- ۸- مهدی خویشاوند جهان. (چاپ پنجم)
- ۹- جایگاه اهل البیت^(ع) در سوره هل اتی.
- ۱۰- جایگاه اهل البیت^(ع) در آیهی مباحله.
- ۱۱- شیخ الائمہ (نگاهی گذرا به زندگی امام جعفر الصادق^(ع)). (چاپ دوّم)
- ۱۲- جایگاه اهل البیت^(ع) در آیهی انفاق. (چاپ دوّم)

- ۱۳- جایگاه اهل‌البیت(ع) در آیه‌ی نور. (چاپ دوم)
- ۱۴- شب سرنوشت (تفسیر سوره مبارکه قدر).
- ۱۵- رفع اتهام (صحبت‌های کاربردی و راهبردی).
- ۱۶- رساله آموزشی احکام (مسائل نماز).
- ۱۷- رساله آموزشی احکام (مسائل وصیت).
- ۱۸- رساله آموزشی احکام (مسائل خرید و فروش).
- ۱۹- رساله آموزشی احکام (مسائل مضاربه و شرکتها).
- ۲۰- رساله آموزشی احکام (مسائل بانوان).
- ۲۱- رساله آموزشی احکام (مسائل حقوق).
- ۲۲- رساله آموزشی احکام (مسائل خمس).
- ۲۳- رساله آموزشی احکام (مسائل هبه و تملیک).
- ۲۴- رساله آموزشی احکام (مسائل جمعه و جماعت).
- ۲۵- رساله آموزشی احکام (مسائل زکات).
- ۲۶- عطای الهی (تفسیر سوره مبارکه کوثر).
- ۲۷- انسان در مسیر خسران (تفسیر سوره مبارکه عصر).
- ۲۸- خداوند یکتا (تفسیر سوره مبارکه توحید).

آثار در دست چاپ:

- ۱- ده سخن.
 - ۲- اخلاق اجتماعی اسلام (تفسیر سوره حجرات).
 - ۳- قریه های ظاهره.
 - ۴- گوهر و حقیقت دین.
 - ۵- قلمروهای دین.
 - ۶- وصایای امیرالمؤمنین (ع).
 - ۷- شرح خطبه ی غراء.
 - ۸- جغرافیای افغانستان.
 - ۹- فقه الاحکام در پنج جلد (کتاب الصلاة).
- (تقریرات خارج فقه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی
دام ظلّه العالی)
- ۱۰- نصوص عاشورا در دو جلد.

- ۱۱- جایگاه اهل‌البیت^(ع) در آیه‌ی تطهیر.
- ۱۲- جایگاه اهل‌البیت^(ع) در آیه‌ی مودت.
- ۱۳- جایگاه اهل‌البیت^(ع) در آیه‌ی ولایت.
- ۱۴- جایگاه اهل‌البیت^(ع) در آیه‌ی سابقون.
- ۱۵- نظام فکری و عملی شیعه.
- ۱۶- سیره رسول اکرم (ص).
- ۱۷- درس‌های اخلاق.
- ۱۸- شرح خطبه اشباح.
- ۱۹- شرح خطبه متقین.
- ۲۰- شرح خطبه قاصعه.
- ۲۱- شرح خطبه یکم.
- ۲۲- شرح خطبه مسجد فاطمه (س).
- ۲۳- شرح خطبه فدکیه فاطمه (س).
- ۲۴- نظارت عمومی جامعه (امر به معروف و نهی از منکر)
- ۲۵- توسل.
- ۲۶- شبهات مدرن در بستر عاشورا